

The Legacy of Tehran's Urban Management in the Transition To Modernity; Case Study: Elections and Collective Participation (1907-1941)

Mohammad Bitarafan*

Abstract

Throughout history, the city was managed traditionally based on the Iranian experience. However, when the Qajar government came to power, the process of city administration changed based on European approaches. Events such as the return of Iranian graduates from European institutions, the establishment of the Dar al-Funun school, the development of political concepts, and Naser al-Din Shah's trips to the western lands set the stage for the transformation of the city. On the other hand, the constitutional revolution created the ground for the presence and involvement of a part of the people in governance. One of the fields of activism after the revolution was participating in the elections and representing the city. This research was formed following the answers to these questions: What was the participation rate of the people of Tehran in the elections of the municipal association from the beginning of the constitution to the end of the first Pahlavi? What were the obstacles and limitations of citizens' participation in this period? The findings of the research show that only a very small number of Tehran's population of 200,000 to 600,000 participated in the elections between 1907 and 1941. Some documents show 20 to 30 votes in the Tehran Baladiyah assembly during the Qajar period and 3 thousand votes during the Pahlavi period, which has a huge difference with the city's population. The reasons for low participation are generally related to people's ignorance of new structural changes and legal restrictions. This article aims to criticize the obstacles to collective participation in elections by examining the municipal laws based on the existing censuses, especially the 1932 census.

Keywords: Elections, Baladiyah Assembly, Shardari Assembly, Vote, Law, Participation.

* Assistant Professor of History, Kharazmi University, Tehran, Iran. m.bitarafan@khu.ac.ir

Date received: 09/01/2024, Date of acceptance: 06/04/2024



میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته؛ مطالعه موردی: انتخابات و مشارکت جمعی (۱۳۲۵-۱۳۶۰ ق/۱۲۸۶-۱۳۲۰ ش)

محمد بیطرفان*

چکیده

شهر درطول تاریخ به صورت سنتی و بر مبنای تجربه ایرانی اداره می شد. از اواسط دوره قاجار براساس رویکردهای اروپایی روند اداره شهر تغییر کرد. روی دادهایی نظیر بازگشت دانش آموختگان ایرانی مؤسسه های اروپایی، تأسیس مدرسه دارالفنون، توسعه مفاهیم سیاسی، و سفرهای ناصرالدین شاه به سرزمین های غربی مقدمات دگرگونی شهر را رقم زد. از سوی دیگر، انقلاب مشروطیت زمینه حضور و دخالت بخشی از مردم را در حکمرانی به وجود آورد. یکی از عرصه های کنش گری بعد از انقلاب شرکت در انتخابات و نمایندگی شهر بود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش ها شکل گرفت که میزان مشارکت مردم تهران در انتخابات انجمن بلدیة/انجمن شهرداری از ابتدای مشروطیت تا پایان پهلوی اول چه قدر بود؟ موانع و محدودیت های مشارکت شهروندان در این دوره چه بودند؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که مشارکت بسیار اندک بود، تاجایی که از جمعیت دویست تا شش صد هزار نفری تهران در بازه سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۲۰، تنها تعداد بسیار اندکی در انتخابات شرکت کردند که برخی اسناد از بیست تا سی رأی در انجمن بلدیة تهران دوره قاجار و سه هزار رأی در دوره پهلوی حکایت دارند که با تعداد جمعیت شهر اختلاف فاحشی دارد. دلایل مشارکت پایین به صورت کلی با ناآگاهی مردم از تحولات ساختاری جدید و محدودیت های قانونی مرتبط است. این مقاله بر آن است تا با بررسی قوانین بلدیة با تکیه بر سرشماری های موجود، به ویژه سرشماری سال ۱۳۱۱، موانع تحقق مشارکت جمعی در انتخابات را به بوثه نقد و بررسی بسپارد.

کلیدواژه ها: انتخابات، انجمن بلدیة، انجمن شهرداری، رأی، قانون، مشارکت.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، m.bitarafan@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸



۱. مقدمه

شکل‌گیری و تداوم حکومت قاجار با ورود اندیشه‌های نو به ایران هم‌زمان شد. درکنار آن، پندارها و تأملات طبقات تحصیل‌کرده و نواندیش و گرایش متفاوت شخص ناصرالدین‌شاه زمینه به‌کارگیری الگوهای سیاسی و مدنی متحول اروپا را فراهم آورد. شهر یکی از نخستین بنیادهایی بود که در پرتو تابش این الگوها قرار گرفت. ناصرالدین‌شاه، به‌دور از حواشی سیاسی، به‌دنبال ساخت شهر مدرنی بود که در سفرهای خود مشاهده کرده بود، بنابراین دست به اقدامات بنیادین زد. درواقع، فروپاشی حصار طهماسبی و ساخت میادین نو به‌هم‌راه خیابان‌های جدید سرآغاز بیرون‌خزیدن تهران از لاک شهر سنتی بود. بر همین اساس، واگذاری تهران به کنت دمونت فرت و تدوین آیین‌نامه‌های شهری و تعریف مشاغل متعدد جلوه‌های جدید مدیریت شهری نوین بود.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و برآمدن سلطنت پهلوی فضای متفاوتی را برای تولد شهر مدرن ایجاد کرد. روشن‌فکران، تحصیل‌کردگان غرب، و مجموعه دولت و به‌خصوص علاقه‌مندی شخص رضاشاه زمینه را برای عبور از شهر کهنه به نو فراهم کردند. بر همین اساس، نقشه‌های جدیدی تدوین شد و فرایند تخریب بافت قدیمی سرعت گرفت. در این میان مدیریت شهری جدید هم با تحول بنیادین روبه‌رو شد. از آنجایی که ساخت دولت پهلوی بر اقتدارگرایی استوار بود، نقش انجمن‌های شورایی نظیر انجمن بلدیه/شهرداری کم‌رنگ شد و به‌جای آن شهرداری، به‌عنوان نهاد ریاستی و مستقل از شورا، شکل گرفت.

در این مسئله، بررسی نقش مردم و حضور آنان در اداره شهر پس از انقلاب مشروطیت از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس، مردم ابزارهایی برای اعمال قدرت در ساخت دولت به‌دست آوردند که از مسیر انتخابات می‌گذشت. یکی از نهادهای برتر توسعه دموکراسی انجمن بلدیه/شهرداری بود. در دوره قاجار براساس قانون بلدیه ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م موانع و محدودیت قانونی بسیار کم‌تر از دوره پهلوی بود، ولی به همان میزان آگاهی مردم از مشروطه بسیار پایین‌تر بود. با روی‌کارآمدن سلسله پهلوی، تمرکزگرایی محور فعالیت‌های شهرداری قرار گرفت، بنابراین در قانون ۱۲۰۹ش موانعی برای مشارکت ایجاد کردند و جایگاه انجمن شهر بسیار تنزل یافت. درواقع، جدای از دخالت‌های نابه‌جا در فرایند انتخابات و فرمایشی‌شدن آن، اعلام پنج برابری منتخبان انجمن بلدیه/شهرداری در تعرفه‌های انتخاباتی نقش مردم در تعیین سرنوشت شهر را به‌شدت کاهش داد. بر این مبنا، تحقیق حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی قوانین بلدیه و نسبت جمعیت شهر در دوره مورد بررسی، نحوه حضور مردم در انتخابات، میزان مشارکت جمعی، و موانع تحقق حضور حداکثری در انتخابات شهر تهران را بکاود.

۲. پیشینه پژوهش

در دوره قاجار و پهلوی تحقیقات ارزنده و مستندی درباره مدیریت شهری نوین نگاشته شده است، ولی پژوهشی با این نگاه که مشارکت مردم در انتخابات انجمن بلدیة/ انجمن شهرداری در بازه زمانی ۱۳۲۵-۱۳۶۰ ق/ ۱۲۸۶-۱۳۲۰ ش را بکاود، وجود ندارد. باین حال، درباره انتخابات انجمن بلدیة نخست در کتاب مدیریت شهری نوین در ایران؛ تجربه انجمن‌های بلدی به قلم محمد بی طرفان مطالبی آمده است، ولی درباره دوره‌های بعدی تحقیقی وجود ندارد. بنابراین، این مقاله در نوع خود نخستین بار به بحث حضور مردم در هفت دوره انتخابات شهری تهران می‌پردازد و نشان می‌دهد که موانع بسیاری بر سر حضور مردم در انتخابات وجود داشت. در این جستار سعی شده است که با خوانش بخش عمده‌ای از اوراق آن دوره، به‌ویژه روزنامه/اطلاعات و اسناد بلدیة تهران، برآیند درستی از تحولات انتخابات شهری با تکیه بر آرای مردمی ارائه شود.

۳. تهران ناصری، طلعة تحول مدیریتی

مدیریت شهری در دوره قاجار به‌صورت گسسته و منفصل در اختیار کلاستران، داروغه‌ها، و کدخدایان محلات بود. برای اداره امور شهری هم منحصرأ شخصی به‌نام محتسب خدمت می‌کرد (مستوفی ۱۳۷۱: ج ۳، ۲۳۰). باین حال، وظایف آن‌ها باهم تداخل داشت و به‌واقع مشخص نبود که چه کسی قرار است اموری شهری را به‌عنوان یک کل منسجم در اختیار داشته باشد. آغاز نوگرایی عهد قجر اساس و شالوده مدیریت شهری را دگرگون کرد. شکل‌گیری نهاد احتسابیه، که کفیل «تنظیفیه و انتظامات» شهر محسوب می‌شد، نخستین قدم برای تمشیت اوضاع نابه‌سامان شهری بود. بعدها با انتقادات مسافران غربی و دانش‌آموختگان ایرانی فرنگ‌رفته، وظایف بهداشتی در اداره‌ها و نهادهای تنظیفیه، حفظ‌الصحه، رخت‌شوی‌خانه، و ... تعریف شد. نخستین اقدامات بلدی با محوریت احتساب با صدارت امیرکبیر آغاز شد. او به امور شهری توجه ویژه‌ای داشت (بنگرید به آدمیت ۱۳۶۲: ۳۳۲-۳۴۵). از دوران امیرکبیر احتساب یا احتساب‌الملک صرفاً با رویکردی بهداشتی منصوب شد. بر همین مبنا، امیرکبیر برای ارتقای سطح بهداشت محیط شهرها دستور داد تا افرادی تحت عنوان «ریکا» به نظافت شهر بپردازند (آدمیت: ۳۳۶). البته این اقدامات اندک هم صرفاً به محیط شهری پایتخت توجه داشت، درحالی‌که در اغلب نقاط کشور وضعیت بهداشتی بسیار آشفته و غیرقابل تحمل بود (فوریه ۱۳۶۳: ۲۷۵). باین حال، با تمام اقداماتی که مدیران شهری ناصری در پایتخت انجام دادند، به‌نظر می‌رسد که هنوز با سطح مطلوب بهداشتی فاصله زیادی داشتند؛ چراکه فوریه در اواخر عهد ناصری درباره فقدان بهداشتی شهر تهران می‌نویسد:

کثافت آن‌ها بی‌نهایت است. مخصوصاً پایین بازار و در کوچه‌هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال‌فروش‌ها و محله یهودی‌هاست، ممکن نیست که انسان از آن‌ها بگذرد و دائم با بوی عفونت لاشه مردار همراه نباشد (همان: ۱۴۰).

باوجود این، منصب احتساب که در دوره‌های تاریخی متمادی با وظایف نظامیه در پیوند بود، بالأخره در دوره ناصرالدین‌شاه استقلال یافت. محمدحسن اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

... این کار همیشه برقرار بوده است و در تکالیف اتساعی داشته، ولی از مدتی دراز و عهدی دیرباز وظایف این کار متجزی گردیده، غالباً در حکومت‌ها مدغم بود و یا با ضبطیه بلاد منضم. در این دولت بی‌زوال دایره احتساب استقلال یافت و حدودی معین پیدا کرد و تکالیفی مشخص به‌هم رسانید (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۶۳).

روند تحولات شهر پس از انتصاب کنت دمونت فرت به ریاست پلیس و احتسابیه شهر تهران سرعت گرفت. واقعیت از این قرار بود که وقتی شاه در اتریش به‌سر می‌برد، درمورد سامان‌دهی «وضع پلیس و احتساب شهری» گفت‌وگویی شکل گرفته بود (امین‌الدوله ۱۳۴۱: ۶۳). این گفت‌وگو اساس ورود فرت را به تهران رقم زد. بر این پایه، در سال ۱۲۹۶ ق مسئولیت رتق وفتق امور شهری به کنت دمونت فرت واگذار شد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ج ۳، ۱۹۹۳). او در ابتدا با لقب «نظم‌الملک» به درجه «امیرتومانی» و سپس به «سرتیپ دوم» نائل شد (همان: ج ۲، ۲۵۰). فرت در سال ۱۲۹۶ ق / ۱۸۷۸ م کتابچه قانون نظمیه و امنیه و تنظیفات بلدییه را نگاشت و به صحنه همایونی رساند. در نسخه خطی این رساله چنین آمده است: «صورت کتابچه اول قانونی است که رئیس کل اداره جمیله نظمیه و امنیه و تنظیفات بلدییه آنطوان کنت دومنت فرت نوشته ...». درواقع، این نظام‌نامه نخستین طرح حاکمیت برای رتق وفتق امور شهری بر مبنای معیار و مقیاس مشخصی بود (بنگرید به کنت دمونت فرت ۱۲۹۶ ق). باین حال، تحقیقات بسیار اندک و مختصری که درباره احوال ایشان صورت گرفته است، جنبه شهری آن تحت تأثیر ریاست پلیس او قرار دارد (بنگرید به یغمایی ۱۳۵۱: ۳۴۷-۳۵۱؛ Floor 1973: 299)، کمالین که او نخستین آیین‌نامه پلیس و بلدی را به‌رشته تحریر درآورد. او پیش از تنظیم نظام‌نامه طرحی هجده فصلی به‌رشته تحریر درآورد. طرح کنت به مسائل مهم شهرداری اشاره دارد (بنگرید به بی‌طرفان ۱۳۹۵).

۴. انقلاب مشروطیت و انتخابات انجمن بلدییه

انقلاب مشروطیت زمینه تغییر در ساخت قدرت و توسعه مفاهیم مدرن را ایجاد کرد. طرح قانون بلدییه امتیاز ویژه‌ای برای شهروندان قائل شد و قاعده اداره شهر توسط حکمرانان را به‌هم

ریخت. به هر تقدیر، قانون بلدی که برگرفته از قوانین بلژیک یا فرانسه بود، توسط میرزا حسین خان مشیرالملک ترجمه و از سوی نمایندگان مجلس بررسی و تنظیم شد و در نهایت در تاریخ ۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ / ۱ اردیبهشت ۱۲۸۶ تصویب شد و در ۲۰ ربیع الثانی / ۱۱ خرداد محمدعلی شاه آن را توشیح کرد. چالش‌هایی که بعدها در زمینه حوزه نفوذ و اقتدار انجمن با حکومت شهرها به وجود آمد، از اهمیت این نهاد نوپا پرده برمی‌دارد. نمایندگان مجلس برای جلوگیری از به هم ریختگی اوضاع شهری تهران و تمرکز بر امور جاری کشور تشکیل انجمن و اداره بلدیۀ تهران را ضروری می‌دانستند. با وجود این، نحوه مواجهۀ مردم با سازوکار جدید نهادی‌های مدرن به هیچ وجه خوب نبود. نمونه‌های بنیادین آن در عدم مشارکت در انتخابات انجمن بلدیۀ و برخورد قهری با قوانین نوظهور آن انجمن پدیدار شد. بنابراین، کارشکنی در اقدامات شهری و عدم تمکین نسبت به وظایف جاری که دستورالعمل آن توسط اداره ابلاغ شده بود، نشان از فقر آگاهی‌های نو و نبود زندگی شهروندی بر مبنای قانون بود (آبادیان و بی‌طرفان ۱۳۹۱: ۱-۲).

انتخابات دورۀ اول انجمن بلدیۀ در ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م انجام شد. انجمن نظارت مرکزی انتخابات بلدیۀ تهران بازۀ زمانی ۱۸ تا ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ را برای توزیع تعرفۀ انتخاباتی و در نهایت جمعه ۲۳ جمادی‌الاول را روز انتخابات معین کرد. با وجود مشکلات بسیاری که برای نخستین انتخابات انجمن بلدیۀ ایجاد شد، در تاریخ ۲۹ جمادی‌الثانی / ۱۷ مرداد پایان یافت و اسامی منتخبان مشخص گردید. حوزه‌های انتخاباتی تهران به شش محله تقسیم شده بود (بنگرید به بی‌طرفان ۱۳۹۰: ۱۴۶). پس از پایان انتخابات اسامی منتخبان اعلام شد، اما تعداد آرای نخستین اعضای شورای بلدیۀ اعلام نگردید (روزنامۀ صبح صادق ۱۳۲۵ ق: ش ۱۰۶، ۱). چرایی این مسئله بر نگارنده نامشخص است، ولی گمان بر این است که یا اهمیت زیادی نداشته یا این که مشارکت آن قدر پایین بوده که برگزارکنندگان صرفاً به انتشار اسامی بسنده کردند. به هر حال، نوع حضور در انتخابات هم به گونه‌ای بود که نمی‌توانست مشارکت را افزایش دهد؛ چرا که افراد هر محله فقط مجاز به شرکت در انتخابات محله خود بودند. بنابراین، فهرستی که بعدها از نمایندگان منتخب انجمن بیرون آمد به تفکیک محلات مختلف بود.

انجمن بلدیۀ دوم در دوران بحران پس از فتح تهران و انتخابات مجلس دایر شد. از آنجایی که انتخابات مجلس تازه انجام شده بود و فرصت کافی برای انتخابات انجمن بلدیۀ وجود نداشت، در این هنگامه اوضاع شهر به هم ریخته بود، اعضای دولت تصمیم گرفتند که فعلاً همان اعضای قبلی را به استثنای دوسه نفر ابقا کنند تا شرایط انتخابات فراهم آید. بنابراین در شعبان ۱۳۲۷ برخی از اعضای قبلی در محل سابق دارالحکومۀ تهران گرد آمدند و مشغول

رتق و فتق امور بلدی شدند (روزنامه مجلس ۱۳۲۵ ق: ش ۱۴، ۱). با این حال، بسیاری از اعضای قدیمی یا استعفا کرده بودند و یا تمایلی به همکاری نداشتند. بنابراین، تصمیم گرفته شد تا انتخابات جدید برگزار شود. انتخابات حوالی ماه‌های شوال و ذی‌حجه ۱۳۲۷ انجام شد (روزنامه وقت ۱۳۲۸ ق: ش ۳، ۳). عین‌السلطنه درباره روند انتخابات می‌گوید: «در طهران برای وکلای بلدیة تعرفه می‌دهند. چند اخطار هم کرده‌اند که چه اشخاصی تعیین شود. مردم خیلی کم تعرفه گرفتند. بعضی‌ها هم که تقدس دارند، نه برای وکالت شورا، نه برای بلدیة تعرفه گرفته و هیچ رأی ندادند» (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۴، ۲۸۶۳).

در نسبت با انجمن و اداره بلدیة نخست، اطلاعات ما نسبت به انجمن و اداره بلدیة دوم بسیار ناچیز و در برخی موارد با گمان همراه است. به نظر می‌رسد که طبقه متوسط شهری و اهالی جراید انتظارات بی‌شماری از بلدیة اول داشتند. بنابراین، درباره آن یادداشت‌های زیادی در مشروطه نخست نگاشتند (بنگرید به بی‌طرفان ۱۳۹۵)، درحالی‌که درباره بلدیة دوم باتوجه به تورق ده‌ها روزنامه تهران هم‌چون وقت، استقلال/ایران، بدر، رعد، مجلس، و ... اطلاعات ما بسیار ناچیز است. به نظر می‌رسد که ناکامی بلدیة اول در تحقق آرمان‌های مشروطه آنان را از این نهاد شهری دل‌سرد کرده بود. به هر تقدیر، نه درباره انتخابات مطالب کاملی وجود دارد و نه راجع به منتخبان. آنچه به عنوان منتخبان دوره دوم گزارش شده است، از میان صورت مذاکرات انجمن بلدیة که در برخی روزنامه‌های یومیه منتشر می‌شد، استخراج شده است. از آنجایی که نهاد بلدیة کار بسیار پرزحمتی بوده و درجهت آن حقوقی هم دریافت نمی‌شده است، استعفا در آن زیاد بوده است و احتمال تغییر در فهرست اولیه وجود دارد. درواقع، یکی از اشکالات قانونی و مطرح بلدیة دوم این بود که اعضای که استعفا می‌کردند، برای جانشین او انتخاباتی برگزار نمی‌شد، بلکه از همان انتخابات پیشین اعضای جدیدی به عضویت انجمن درمی‌آمدند.

مشارکت پایین مردم به دلیل فقدان آگاهی و نبود تجربه بود. راجع به بلدیة نخست هم همین اتفاق افتاده بود، به طوری که چندین بار انتخابات به تعویق افتاد. از مباحثی که در صورت مذاکرات مجلس دوم درج شده است، از این رویه انتقاد دارند، به طوری که به گفته یکی از اعضای دولت انتخابات انجمن بلدیة نخست بسیار سرد و کم‌اقبال بود. درکنار آن، دولت، نمایندگان مجلس، و مردم از اقدامات بلدیة رضایت نداشتند و آن را به کم‌کاری متهم می‌کردند (صورت مذاکرات مجلس ۱۳۲۸ ق: دوره دوم، جلسه ۱۳۰، ۱۸۵). بر همین اساس، برخی از نمایندگان مجلس از طرح تفتیش و تعطیلی انجمن و واگذاری وظایف آن به دولت دفاع کردند (همان: جلسه ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۸۸؛ روزنامه استقلال/ایران ۱۳۲۹ ق: ش ۲۳۹، ۳). سرانجام در

ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ طی دو محاکمه از بلدیۀ تهران تفتیش شد (روزنامه استقلال/ایران ۱۳۲۹ ق: ش ۲۴۲، ۳). سرانجام عوامل یادشده باعث شد تا در ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ بخش اعظمی از نمایندگان به‌هم‌راه رئیس انجمن استعفا دهند که این عمل به‌خودی‌خود انجمن بلدیۀ را منفسل کرد، با این تفاوت که اداره بلدیۀ هم‌چنان به وظایف خود ادامه داد (روزنامه مجلس ۱۳۲۹ ق: ش ۷۹، ۳).

پس از انفصال انجمن بلدیۀ دوم، در اواسط دهۀ ۱۳۳۰ ق تلاشی صورت گرفت تا بلدیۀ جدیدی افتتاح شود (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۷، ۵۲۲۸)، ولی اقبال چندانی از آن نشد و انجمن بلدیۀ شکل نگرفت. بنابراین، وزارت داخله وظایف انجمن بلدیۀ را برعهده گرفت که خودش شهردار را هم انتخاب می‌کرد. به‌هرحال، پس از سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م پس از ناکامی انجمن بلدیۀ دوم، بلدیۀ نیز به یکی از اداره‌های دولتی تبدیل شد و زیرمجموعۀ وزارت داخله قرار گرفت. از این به بعد، از لحاظ قانونی و نظری، بلدیۀ غیرقانونی اداره می‌شد؛ مسئله‌ای که سیدمحمد تدین، نماینده مجلس در دورۀ پنجم، به آن اشاره کرده بود (صورت مذاکرات مجلس ۱۳۰۳ ق: دورۀ پنجم، جلسۀ ۴۷). بنابراین، از ۱۳۲۹ ق تا تدوین قانون بلدی دورۀ پهلوی اول شهر بدون انجمن اداره می‌شد.

یکی از دلایل عدم موفقیت انجمن بلدیۀ فقدان دخالت احزاب در روند انتخابات بود. درواقع، از مجلس دوم و شکل‌گیری نخستین احزاب سیاسی ردپای آنان در انجمن‌های بلدیۀ دیده نمی‌شود. آنان حتی درقبال تحولات بلدیۀ نیز موضع نمی‌گرفتند. به‌نظر می‌رسد احزاب آن‌چنان درگیر مسائل سیاسی بودند که مسئلۀ شهر در اقدامات آنان گم شده بود. التهابات سیاسی ناشی از وقایع مشروطه در عدم ثبات و استمرار کابینه‌ها نمایان شد. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ زمینه توجّه به شهر را در فرایند غیرقانونی و بدون انجمن بلدیۀ به‌وجود آورد. باین‌حال، احزاب سوسیالیست، تجدد، و ... نیز به شهر توجّه نکردند. پس از این‌که رضاشاه به سلطنت رسید، احزاب سرکوب شدند. به‌هرحال، پس از تشکیل حزب توده توجّه ویژه‌ای به شهر و انجمن شهرداری شد و فهرست‌های انتخاباتی حزبی منتشر شدند.

۵. دولت پهلوی، تمرکزگرایی، و تقلیل قدرت انجمن شهر

پس از ناکامی دو دورۀ انجمن بلدیۀ در عصر قاجار، بنابه ضرورت‌های شهرنشینی مدرن و برنامه‌ریزی‌های عمومی در دورۀ پهلوی اول، تأسیس همان انجمن‌ها دوباره پی‌گیری شد، کمالین‌که بازگشایی آن‌ها با تغییرات بزرگی هم‌راه بود. دگرگونی از ابطال قانون سال ۱۳۲۵ ق و بازنویسی قانون جدید در هشت ماده در اردیبهشت ۱۳۰۹ رقم خورد. نمایندگان مجلس در تدوین قانون بلدیۀ به کلیات اکتفا کردند و جزئیات در جزوۀ ای به‌نام «نظام‌نامۀ انجمن بلدیۀ» در

سه قسمت، پنج فصل، و ۳۶ ماده به تصویب رسید. نظام‌نامه یادشده و مواد الحاقیه آن در چند نوبت در ۶ خرداد، ۱۰ تیر، و ۱۳ و ۱۴ آبان در کمیسیون‌های داخلی مجلس نهایی شد (ساکما، ۳۱۰/۵۴۷۲۴؛ بنگرید به صورت مذاکرات مجلس ۱۳۰۹ ق: دوره هفتم، جلسه ۱۲۴). دولت پهلوی برای افزایش نفوذ خود در شهرها و به‌نوعی بازپس‌گیری اقتدار دولت در شهر، که در قانون بلدیۀ قبلی از بین رفته بود، تغییرات مهمی در قانون یادشده اعمال کرد.

۱.۵ بررسی و تطبیق قوانین بلدیۀ ۱۳۲۵ ق و ۱۲۰۹ ش

۱.۱.۵ تعداد اعضای انجمن

براساس ماده ۱۱ قانون ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م، اعضای انجمن برای شهرهای بزرگ سی نفر مشخص شد، درحالی‌که بر مبنای ماده ۵ قانون ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م تعداد اعضای انجمن بلدیۀ کاهش یافت. به عبارت دیگر، با آن‌که جمعیت و محلات تهران در این دوره افزایش یافته بودند، ولی تعداد نمایندگان از سی نفر به دوازده نفر تقلیل یافت. به‌راستی کاهش تعداد نمایندگان می‌توانست از چانه‌زنی، سرک‌کشی، ارتباط مردمی، و ... جلوگیری کند.

۲.۱.۵ نحوه انتخاب نمایندگان

نحوۀ انتخاب اعضای انجمن اهمیت فراوانی دارد. در قانون نخست رأی‌گیری به‌صورت مستقیم بود و افراد می‌توانستند در هر محله فقط به نمایندگان محلات خود رأی دهند، ولی قانون بعدی که با ایده تمرکزگرایی رضاشاه تدوین شده بود، دیگر نمایندگان با رأی مستقیم و براساس ردیف انتخاباتی به انجمن راه نمی‌یافتند، بلکه بر مبنای ماده ۴ نظام‌نامه بلدیۀ مردم ملزم به ثبت پنج‌برابری نام‌زدهای انتخاباتی بودند. براساس ماده ۲ نظام‌نامه، تعداد اعضای انجمن پایتخت دوازده نفر بود که هنگام انتخابات پنج برابر آن از سوی مردم به هیئت دولت پیشنهاد می‌شد که دولت براساس ماده ۷ مجاز بود بدون در نظرگیری ردیف انتخابات یا تعداد آراء، اعضای اصلی انجمن را انتخاب کند. بعدها در روند انتخابات هم هیئت نظارت اعلانیۀ‌های متعددی منتشر کرد که در آن تصریح شده بود که هرکسی موظف است اسامی شصت نفر را در تعرفۀ انتخاباتی وارد کند (ساکما، ۲۹۳/۶۱۱۷).

۳.۱.۵ نحوه انتخاب شهردار

بر مبنای ماده ۹۳ قانون نخست، رئیس انجمن بلدیۀ به‌عنوان رئیس اداره بلدیۀ نیز محسوب می‌شد، ولی ماده ۴ قانون ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م مقام ریاست اداره بلدیۀ را از رئیس انجمن سلب

کرد. ماده ۴ به شرح ذیل است: «رئیس اداره بلدیّه که از طرف وزارت داخله معین می‌شود، مسئول اجرای دستور اصلاحات بلدی است که از طرف دولت و انجمن بلدی تصویب شده باشد» (ساکما، ۳۱۰/۵۴۷۲۴). این ماده به شدت قدرت انجمن را کاهش داد و آن را به یک نهاد خنثی تبدیل کرد، با این حال دولت حتی انجمن را به حال خود واگذار نکرد و براساس ماده ۱۷ زمینه نفوذ بر لوایح را به وجود آورد. براساس ماده ۱۷، «والی یا حاکم و رئیس بلدیّه در جلسات انجمن حق شرکت در مذاکره داشته، ولی حق رأی» نداشت (همان). هرچند به صورت ظاهری حق رأی از دولت مردان سلب شد، چه از لحاظ نظری و چه عملی که بعدها در روند وقایع مشاهده می‌کنیم، اعضای دولت نقش و تأثیر بی‌بدیلی در تصمیمات انجمن داشتند. در نهایت، براساس نظام‌نامه هر قانون عوارض، مالیات، و ... که انجمن بلدیّه تصویب می‌کرد، بدون موافقت وزارت داخله و هیئت دولت رسمیت نداشت و این عملاً به این معنا بود که استقلال انجمن سلب شده بود. بر این مبنا، دولت در دوره پهلوی اول قدرت در شهرها را به دست گرفت.

۴.۱.۵ شرایط رأی‌دهندگان

واقعیت امر این است که هر دو قانون بلدیّه محدودیت‌هایی برای حضور مردم ایجاد کرده بودند که آن‌هم بسته به وضعیت گفتمان تاریخی آن دوره بود. قانون انتخابات انجمن بلدیّه ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م تفاوت جدی با انتخابات مجلس شورای ملی داشت. تمایز نخست، نحوه حضور قشرهای گوناگون در صحنه انتخابات بود. انتخابات انجمن بلدیّه، برخلاف انتخابات مجلس، به صورت طبقاتی و صنفی نبود، بلکه برطبق ماده ۱۰ قانون بلدیّه نمایندگان از محلات شهر به انجمن راه می‌یافتند (بنگرید به قانون بلدیّه ۱۳۲۵ ق). به عبارت دیگر، مردم هر محله به نام‌زدهای خود رأی می‌دادند. اگر نسبت جمعیت و تعداد اعضا سنجیده شود، نشان می‌دهد که مشروطه‌خواهان به شهر به عنوان منبع آشنایی با مفاهیم دموکراتیک اهمیت فراوانی می‌دادند و قانون بلدیّه، حداقل در عرصه نظر، اعتبار، وزن، و کارایی فراوانی داشت. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در قانون نخست بلدیّه تا حدودی آسان بود (بنگرید به جدول ۱). هرچند تبصره سوم مانعی جدی برای حضور در انتخابات بود: «دادن مالیات یا داشتن خانه یا مستغل یا اراضی در حدود شهر که در شهرهای بزرگ هزار و در شهرهای متوسط پانصد و در شهرهای کوچک سی صد تومان ارزش داشته باشد» (بنگرید به قانون بلدیّه ۱۳۲۵ ق). با وجود این، از لحاظ قانونی نمی‌توانست از حضور حداکثری مردم جلوگیری کند؛ چراکه اغلب جمعیت تهران یا در دسته اصناف مالیات می‌پرداختند یا به عنوان زمین‌دار، باغ‌دار،

و ... صاحب مستغلات و خانه بودند. درکنار آن، سیستم مالیات‌گیری مستقیم پیش از مشروطیت مالیات را از عایدی اصناف و کشاورزان به صورت نقدی و جنسی دریافت می‌کرد (جمال‌زاده ۱۳۳۵ ق: ۱۲۰-۱۲۱). با در نظرگیری بررسی فوق، موانع چندانی برای حضور قاطبه مردم وجود نداشت. به نظر می‌رسد که تبصره سوم برای این گذاشته شد که فقط اهالی شهر بتوانند رأی بدهند، نه کسانی که به نوعی ساکن شهر نیستند یا موقتاً ساکن شده‌اند؛ البته ماده ۱۵ برای حضور بخشی از مردم محدودیت ایجاد کرده بود که اگر بحث زنان را جدا کنیم که براساس عرف آن دوره خارج از جمعیت تصمیم‌گیر لحاظ می‌شدند، بقیه تبصره‌ها مانعی ایجاد نمی‌کردند (بنگرید به جدول ۱).

جدول ۱. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در قانون بلدیۀ ۱۳۲۵ ق و نظام‌نامه بلدیۀ ۱۳۰۹ ق

نظام‌نامه بلدیۀ، ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م			قانون بلدیۀ، ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م		
محرمان از انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن	شرایط انتخاب‌شوندگان	شرایط انتخاب‌کنندگان	محرمان از انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن	شرایط انتخاب‌شوندگان	شرایط انتخاب‌کنندگان
-----	باید منحصرأ از طبقات سه‌گانه (تجار و اصناف و مالکان) باشند؛ تبعه دولت ایران باشند؛ سن آن‌ها کم‌تر از سی و بیش‌تر از شصت سال نباشد؛ محکوم به جنجه و جنایت نباشند؛ سواد فارسی داشته باشند؛ در ادارات دولتی استخدام نداشته باشند.	باید منحصرأ از طبقات سه‌گانه (تجار و اصناف و مالکان) باشند؛ تبعه دولت ایران باشند؛ سن آن‌ها کم‌تر از بیست سال نباشد. به جنجه و جنایت محکوم نباشند.	اشخاصی که به واسطه جنجه و جنایتی مجازات قانونی دیده‌اند؛ اشخاصی که معروف به ارتکاب قتل و سرقت باشند؛ ورشکسته به تقصیر؛ اشخاصی که از بابت عوارض بلدیۀ بقایا دارند و بیش از نصف عوارض سالیانه را نپرداخته‌اند؛ طایفه نسوان؛ اشخاص خارج از رشد.	تابعیت ایرانیه؛ دادن مالیات یا داشتن خانه یا مستغل یا اراضی در حدود شهر که در شهرهای بزرگ هزار و در شهرهای متوسط پانصد و در شهرهای کوچک سی صد تومان ارزش داشته باشد؛ سواد فارسی کامل داشته باشند؛ سن کم‌تر از ۲۵ نباشد؛ داخل در خدمت دولتی نباشند.	تابعیت ایرانیه؛ اكمال بیست و یک اقلأ؛ دادن مالیات یا داشتن خانه یا مستغل یا اراضی در حدود شهر که در شهرهای بزرگ هزار و در شهرهای متوسط پانصد و در شهرهای کوچک سی صد تومان ارزش داشته باشد.

قانون و نظام‌نامهٔ بلدیۀ مصوب ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م مجلس شورای ملی تغییرات مهمی در قانون قبلی به‌وجود آورد که به برخی از آن‌ها پیش‌ازین اشاره شد، باین‌حال مهم‌ترین مسئله‌ای که محدودیتی برای حضور در انتخابات ایجاد کرد، مادهٔ ۵ قانون و مادهٔ ۱۰ نظام‌نامهٔ بلدیۀ بود. در این مواد تصریح شده بود که انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان «منحصراً از طبقات سه‌گانه (تجار و اصناف و مالکان) [اعم از مالکان مستغلات و مالکان املاک مزروعی]» هستند. ازاین‌رو، بسیاری از افرادی که خارج از طبقات فوق بودند، حق رأی را از دست می‌دادند (بنگرید به جدول ۲)، با این فرض که براساس قانون ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م، برخلاف قانون قبلی، کسانی به‌صورت خاص، نظیر نظامیان یا کارمندان دولت، از انتخابات محروم نمی‌شدند، هرچند در این قانون داشتن خانه یا مستغلات و یا پرداخت مالیات حذف شده بود، حق رأی و نامزدی بخشی از جمعیت را که خارج از طبقات یادشده بودند سلب کرد. بنابراین، گنجاندن مواد یادشده در قانون و محدودکردن اختیار نمایندگی در بخشی از جامعهٔ شهری دلیل محدودکننده‌ای در مشارکت جمعی به‌وجود آورد. در جدول ۲ تعدادی از شغل‌هایی که به‌نوعی از دایرۀ انتخابات حذف شدند، فهرست شده است.

جدول ۲. مشاغل حذف‌شده از دایرۀ انتخابات

ردیف	شغل‌ها به ضمیمۀ خانواده	تعداد	نسبت به جمعیت کل
۱	قوای تأمینیه و اداری	۴۰۸۳۸	۱۵۵۰ درصد
۲	مشاغل آزاد	۴۳۸۳۴	۱۷ درصد
۳	اشخاص بی‌حاصل	۳۹۴۵	۲ درصد

علاوه‌براین، تصریح نظام‌نامه به مالکان مستغلات و املاک مزروعی است. اگر مستغلات را اضافه بر عایدی فرد تلقی کنیم که به اجاره واگذار می‌شد، بنابراین بسیاری از اجاره‌نشین‌ها براساس جداول ۳ و ۴ نیز از شمول این قانده خارج می‌شدند؛ چراکه فقط صاحبان خانه‌ها زمینهٔ کسب عایدی از املاک خود را داشتند. البته نکته‌ای پراهمیت در این دسته‌بندی‌ها مستتر است؛ مسئلهٔ بنیادین در جداول ذیل صرفاً به‌معنای حذف آنان نیست؛ چراکه برخی از شغل‌های یادشده دارای مستغلات بودند و یا بسیاری اجاره‌نشین‌ها در طبقۀ اصناف دسته‌بندی می‌شدند. باتوجه‌به این نکته، بررسی این‌که چه تعداد از جمعیت آن روز حق رأی را از دست می‌داد بسیار مشکل است. باوجوداین، می‌توان به آمارهای موجود بسنده کرد و نقص را بر قانون

انتخابات وارد کرد که صراحت زیادی نداشت و همین عامل موجبات کاهش رأی‌دهندگان می‌شد. با این حال، از آنجایی که آمار رسمی از وضعیت صاحبان مستغلات و املاک مزروعی وجود ندارد، فرض این که حدود ۳۴.۵ درصد از افراد جامعه که در جدول ۲ فهرست شده‌اند، حق انتخاب نداشتند قابل تأمل است. جدای نداشتن حق رأی، براساس قانون بلدیة نماینده‌ای از آن‌ها هم نمی‌توانست وارد انجمن شود.

در مورد اجاره‌نشین‌ها موضوع تاحدودی پیچیده‌تر می‌شود. احتمال این که آنان صاحب املاک مزروعی بودند دور از نظر نیست، به خصوص آن‌هایی که در محله دولت خانه اجاره کرده بودند، کمالین که برخی از آن‌ها نیز در دسته اصناف طبقه‌بندی می‌شدند. با این حال، پیچیدگی مسئله در این نکته مستتر است که نمایندگان مجلس وقتی قانون بلدیة ۱۳۰۹ ش/م را تدوین می‌کردند، حق رأی را غیرمستقیم به شخصی واگذار کردند که به نوعی مالیات پرداخت می‌کرد. بر همین مبنا، تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون سال ۱۳۲۵ ق/۱۹۰۷ م را که بنا را بر «دادن مالیات یا داشتن خانه» گذاشته بود حذف کردند. بنابراین، پیش از تصویب قانون فوق که هنوز بحث مالیات بر مستغلات مطرح نشده بود، گنجاندن ماده یادشده ایرادی نداشت، ولی، به گمان نگارنده، به نظر می‌رسد که تصویب قانون مالیات مستغلات در ۲۰ شوال ۱۳۳۳/۸ شهریور ۱۲۹۴، نقش زیادی در حذف ماده فوق داشت. ماده ۱ قانون مذکور چنین بود: «برای کلیه مستغلات از قبیل دکاکین، مغازه‌ها، خانه‌های اجاره، انبارها و کاروان‌سراها، مهمان‌خانه‌ها، یخچال‌ها، قهوه‌خانه‌ها، میدان‌ها در شهرها و قصبات عمده مالیات مستغلات برقرار می‌شود» (قانون مالیات مستغلات ۱۳۳۳ ق). نکته دیگری که از رفتار نمایندگان مجلس هفتم برداشت می‌شود، این است که آنان با حذف مالیات‌دهندگان مستقیم و کسانی که دارای خانه شخصی بودند و با تغییر قانون به نفع صاحبان املاک، مستغلات، و سرمایه‌داران شهری عمل کردند. با فرض این که بخش اعظمی از اجاره‌نشین‌ها از طبقات «تجار، اصناف، و مالکان» مستغلات و املاک مزروعی نبودند، بیش از ۳۶ درصد جامعه حق رأی خود را از دست می‌دادند (بنگرید به جدول ۳).

جدول ۳

مالکیت	باب	برد'	درصد
خانه شخصی	۱۷.۴۲۸	۱۱۵.۲۵۹	۶۲/۳
خانه اجاره‌ای	۱۰.۲۰۰	۵۷.۹۱۳	۳۶/۴
غیره	۳۳۷	۸۷۲	۱/۲

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۶۵

اگر آمار خانه‌های حومه متصل به تهران را به اعداد فوق اضافه کنیم، به ۲۸۰۴۵ باب منزل می‌رسیم که دارای ۱۷۰۹۹۲ یرد بود. در این اماکن ۲۶۲۷۲۳ نفر اسکان داشتند که شامل ۶۸۰۸۴ خانوار یا ۸۰۶۴۴ خانواده می‌شدند. به‌طور متوسط هر خانه دارای شش یرد بود که شامل سکونت دو خانواده مرکب از نه نفر می‌شد. نسبت یرد با جمعیت مقیم در شمال شهر مساوی بود، درحالی‌که ناحیه مرکز و جنوب شهر، به قاعده کاهش یرد، شاهد افزایش جمعیت هستیم. مثلاً اگر در ناحیه دولت هر خانه دارای هشت یرد بود، بیش از هشت نفر هم سکنه نداشت، کمترین که به‌طور متوسط در ناحیه ۴ هر خانه دارای شش یرد بود که دوازده نفر در آنجا اقامت داشتند (بنگرید به سال‌نامه/احصائیه بلدیہ ۱۳۱۲: ۳۶-۳۷). به همین میزان، نسبت اجاره‌نشین با صاحب‌خانه قابل‌سنجش است. به‌هرطریق، احصائیه سال ۱۳۱۱ حاکی از ۳۶ درصد اجاره‌نشین است که عمدتاً در نواحی جنوب شهر استقرار داشتند.

۲.۵ انجمن بلدیہ/ انجمن شهرداری در دوره پهلوی اول

در دوره رضاشاه بر بنیاد قانون ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م شش انتخابات در تهران انجام شد. از آنجایی‌که در این مقاله صرفاً به مسئله انتخابات پرداخته خواهد شد، تاریخچه کوتاهی از دوره‌های تشکیل انجمن شهرداری گزارش می‌شود. در جدول ۴ به‌صورت کلی دوره‌های انجمن شهرداری روایت شده است.

جدول ۴. دوره‌های انجمن شهرداری در دوره رضاشاه

دوره انجمن	تعداد آرا	ملاحظات	منابع و مآخذ
دوره اول ۱۳۰۹-۱۳۱۱	دو منبع: ۱. ۲۸۵۶ ۲. ۲۸۶۷	تشکیل هیئت نظارت در ۱۳ خرداد؛ برگزاری انتخابات در ۲۴ خرداد؛ نخستین جلسه انجمن در ۲۱ تیر ۱۳۰۹ در عمارت بلدیہ؛ انتخاب حکیم‌الدوله به‌عنوان رئیس انجمن با رأی ۹ رأی؛ آقای بلورفروشان با ۸ رأی و آقای کاشف با ۱۰ رأی به‌ترتیب به‌عنوان نایب‌رئیس و منشی انجمن انتخاب شدند.	بنگرید به روزنامه کوشش ۱۳۰۹: ش ۱۲۹۳، ۱؛ روزنامه اقدام ۱۳۰۹: ش ۱۰۵۷، ۲؛ همان، ش ۱۰۶۲، ۲؛ روزنامه اطلاعات ۱۳۰۹: ش ۱۰۵۷، ۲؛ همان: ش ۱۰۶۲، ۳؛ روزنامه ایران ۱۳۰۹: ش ۳۲۵۶، ۲؛ ساکما، ۵۹۰۵/۳۴۰: مجله بلدیہ ۱۳۰۹: ش ۱، ۸-۱۰.
دوره دوم ۱۳۱۱-۱۳۱۳	دو منبع: ۱. ۳۳۴۲ ۲. ۳۳۲۸	برگزاری انتخابات در ۲ مرداد؛ نخستین جلسه انجمن در ۱ شهریور ۱۳۱۱ در عمارت بلدیہ؛ انتخاب حکیم‌الدوله به‌عنوان رئیس بلدیہ و حاج محمدحسن بلورفروشان و میرزا غلامحسین‌خان کاشف به‌ترتیب به‌عنوان نایب و منشی؛ تدوین نظام‌نامه داخلی انجمن بلدیہ تهران و توابع در ۱۲ فصل و ۴۳ ماده از سوی وزارت داخله.	بنگرید به ساکما، ۳۴۰/۵۸۹۳: روزنامه اطلاعات ۱۳۱۱: ش ۱۶۵۹، ۲؛ همان: ش ۱۶۸۶، ۱؛ مجله بلدیہ ۱۳۱۱: ش ۴-۵، ۱۹۰؛ روزنامه اطلاعات ۱۳۱۱: ش ۱۶۶۵، ۱-۲؛ ساکما، ۳۴۰/۵۹۰۵: مجله بلدیہ ۱۳۱۱: ش ۴-۵، ۱۹۰-۲۰۲، ۲۰۶.

دوره انجمن	تعداد آرا	ملاحظات	منابع و مآخذ
دوره سوم ۱۳۱۳-۱۳۱۵	۳۱۳۸	تشکیل انجمن نظارت انتخابات در ۱ مهر؛ برگزاری انتخابات در ۹ مهر؛ تغییر نام بلدی به شهرداری و انجمن بلدی به انجمن شهرداری؛ برگزاری اولین جلسه انجمن شهرداری در ۱۳ آذر ۱۳۱۳ در عمارت بلدی؛ انتخاب حکیم الدوله ادهم با ۱۰ رأی به عنوان ریاست و انتخاب دکتر جوان با ۸ رأی و آقای کاشف با ۹ رأی به ترتیب به عنوان نایب و منشی انجمن.	بنگرید به روزنامه اطلاعات ۱۳۱۳: ش ۲۲۹۷، ۳؛ همان: ش ۲۲۹۹، ۳؛ همان: ش ۲۳۰۱، ۳؛ همان: ش ۲۳۰۶، ۳؛ مجله بلدی ۱۳۱۳: ش ۴-۵، ۱۳۳، ۱۳۶-۱۳۷؛ ساکما، ۳۴۰/۵۹۰۳.
دوره چهارم ۱۳۱۵-۱۳۱۷	-	تشکیل هیئت نظارت در آذر ۱۳۱۵؛ برگزاری انتخابات در روز ۳ دی؛ برگزاری اولین جلسه انجمن شهرداری در ۲۶ دی؛ انتخاب حکیم الدوله به عنوان رئیس و آقای نیکپور و آقای کاشف به ترتیب به عنوان نایب و منشی.	بنگرید به روزنامه اطلاعات ۱۳۱۵: ش ۲۹۹۴، ۴؛ همان: ش ۳۰۰۷، ۴؛ همان: ش ۳۰۲۰، ۴؛ ساکما، ۳۴۰/۵۹۰۷.
دوره پنجم ۱۳۱۷-۱۳۱۹	-	تشکیل هیئت نظارت انتخابات در دی ماه ۱۳۱۷؛ برگزاری انتخابات در روز ۱ بهمن؛ فقدان اسامی پنج برابر ظرفیت انتخابات؛ آشفته گی فضای کشور بر اثر جنگ جهانی دوم.	بنگرید به روزنامه سعادت بشر ۱۳۱۷: ش ۶۸، ۲؛ روزنامه اطلاعات ۱۳۱۷: ش ۳۷۲۲، ۲؛ همان: ش ۳۷۲۳، ۲؛ همان: ش ۳۷۲۴، ۲.
دوره ششم ۱۳۱۹-۱۳۲۱	-	آشفته گی فضای کشور بر اثر جنگ جهانی دوم و استعفای رضاشاه؛ برگزاری انتخابات انجمن شهرداری در ۲۱ بهمن ۱۳۱۹.	بنگرید به روزنامه اطلاعات ۱۳۱۹: ش ۴۴۴۶، ۱.

۶. تحلیل مشارکت جمعی در انتخابات انجمن بلدی/ شهرداری

بررسی مشارکت جمعی در انتخابات تابع تفحص و مطالعه جمعیت شهرنشین در این دوره است. با این حال، بررسی کوتاه رشد جمعیت از ابتدای اعلام پایتختی تهران در ۱۱ جمادی الاول ۱۲۰۰/۲۲ اسفند ۱۱۶۴ تا سال ۱۳۶۰ ق/ ۱۳۲۰ ش برای تحلیل مشارکت عمومی با ارزش به نظر می رسد. در جدول ۵ سعی شده است که از نخستین گزارش جمعیت تهران تا آخرین سرشماری دوره پهلوی اول پوشش داده شود.

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۶۷

جدول ۵. جمعیت تهران از نخستین گزارش تا آخرین سرشماری دوره پهلوی اول

ردیف	نام محقق یا سازمان	تعداد جمعیت	سال
۱	آنتوان گیوم اولیویه (اولیویه ۱۳۷۱: ۶۹)	۱۵۰۰۰	۱۲۱۰ ق/ ۱۱۷۴ ش/ ۱۷۹۶ م
۲	پیر آمده ژوبر (ژوبر ۱۳۱۴: ۲۵۳)	۳۰۰۰۰	۱۲۲۱ ق/ ۱۱۸۵ ش/ ۱۸۰۶ م
۳	سرویلیام اوزلی (Ouseley 1823: 119-120)	۴۰۰۰۰-۶۰۰۰۰	۱۲۲۵ ق/ ۱۱۸۱ ش/ ۱۸۱۰ م
۴	کنت دو سرسی (کنت دوسرسی ۱۳۶۲: ۱۴۹)	۶۰۰۰۰	۱۲۵۴ ق/ ۱۲۱۷ ش/ ۱۸۳۹ م
۵	ویلیام ریچارد هولمز (Holmes 1845: 353)	۶۰۰۰۰	۱۲۵۵ ق/ ۱۲۱۸ ش/ ۱۸۴۰ م
۶	مری شیل (شیل ۱۳۶۸: ۱۰۵)	۸۰۰۰۰	۱۲۶۵ ق/ ۱۲۲۷ ش/ ۱۸۴۹ م
۷	بینینگ (Binning 1857: 215)	۹۰۰۰۰	۱۲۶۸ ق/ ۱۲۳۰ ش/ ۱۸۵۲ م
۸	جان آشر (Ussher 1865: 613-614)	۱۰۰۰۰۰	۱۲۷۶ ق/ ۱۲۳۸ ش/ ۱۸۶۰ م
۹	عبدالعفار نجم الدوله (آمار دارالخلافه تهران: ۱۳۶۸: ۳۴۳-۳۴۶)	۱۴۷۲۵۶	۱۲۸۴ ق/ ۱۲۴۶ ش/ ۱۸۶۷ م
۱۰	کارلا سرنا (سرنا ۱۳۶۲: ۵۸)	در تابستان ۸۰۰۰۰ در زمستان ۲۰۰۰۰۰	۱۲۹۴ ق/ ۱۲۵۵ ش/ ۱۸۷۷ م
۱۱	روزنامه ایران (روزنامه ایران ۱۲۹۴ ق: ش ۳۱۸)	۳۰۰۰۰۰	۱۲۹۴ ق/ ۱۲۵۵ ش/ ۱۸۷۷ م
۱۲	ماسهارو (ماسهارو ۱۳۷۳: ۱۶۰)	۱۴۰۰۰۰	۱۲۹۷ ق/ ۱۲۵۸ ش/ ۱۸۸۰ م
۱۳	ارنست اورسل (اورسل ۱۳۸۲: ۲۲۳)	۱۵۰۰۰۰	۱۲۹۹ ق/ ۱۲۶۰ ش/ ۱۸۸۲ م
۱۴	میرزا شفیع مدیرلشکر (آمار دارالخلافه تهران ۱۳۶۸)	۱۰۶۴۸۲	۱۳۰۱ ق/ ۱۲۶۳ ش/ ۱۸۸۵ م
۱۵	لرد کرزن (کرزن ۱۳۸۰: ۱/۴۴۰)	۲۰۰۰۰۰-۲۲۰۰۰۰۰	۱۳۰۶ ق/ ۱۲۶۷ ش/ ۱۸۸۹ م
۱۶	عبدالعفار نجم الدوله (حاشیه نقشه تهران)	۲۵۰۰۰۰	۱۳۰۹ ق/ ۱۲۷۰ ش/ ۱۸۹۲ م
۱۷	احمد امین (امین ۱۳۵۳: ۸۱)	۲۵۰۰۰۰	۱۳۱۱ ق/ ۱۲۷۲ ش/ ۱۸۹۴ م
۱۸	دایره مستغلات وزارت مالیه («جمعیت تخمینی شهر تهران در هذ السنه یونت ثیل» ۱۲۹۷: ۲۹۴)	۲۸۰۲۵۰	۱۳۳۶ ق/ ۱۲۹۷ ش/ ۱۹۱۸ م
۱۹	سالنامه احصائیه شهر طهران (سالنامه احصائیه شهر طهران از سنه ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۳ شمسی ۱۳۰۴؛ مجله بلدییه ۱۳۰۳: ش ۳، ۷)	۱۹۶۲۵۵	۱۳۴۰ ق/ ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۲ م
۲۰	سالنامه احصائیه بلدییه (سالنامه احصائیه بلدییه ۱۳۱۲: ۴۲)	۲۵۷۰۲۱	۱۳۵۰ ق/ ۱۳۱۱ ش/ ۱۹۳۲ م
۲۱	اداره کل آمار و ثبت احوال (روزنامه اطلاعات ۱۳۱۸: ش ۴۱۲۲، ۱)	۵۳۱۲۴۶	۱۳۵۷ ق/ ۱۳۱۸ ش/ ۱۹۳۹ م

از انقلاب مشروطیت تا پایان دوران پهلوی اول جمعیت تهران بین دویست تا شش صد هزار نفر بود. براساس یافته‌های پژوهش که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، از نخستین انتخابات، که با پانزده تا سی رأی آغاز شد، و تا دوران پهلوی، که آمار نزدیک به سه هزار رأی ثبت شده است، اختلاف فاحشی با تعداد جمعیت شهر تهران دارد.

درباره مشارکت جمعی در انتخابات دوره اول و دوم انجمن بلدیۀ دوره قاجار نمی‌توان نظر صریحی داد؛ چراکه از تعداد آرای نمایندگان منتخب اطلاعی در دست نیست. اسناد و جراید به درج اسامی نمایندگان اکتفا کرده‌اند. پیش‌ازین، درباره محدودیت مالکیت زمین و مستغلات و پرداخت مالیات بحث شد که حق رأی را از بخش زیادی از جمعیت سلب می‌کرد. باوجوداین، گزارش‌هایی که از تعویق پشت سر هم انتخابات در جراید منتشر می‌شد، از فقدان آگاهی و عدم مشارکت مردمی پرده برمی‌دارد. خبر روزنامۀ حقوق و صبح صادق از عدم دریافت تعرفۀ انتخابات و تشویق مردم برای حضور بسیار پراهمیت است (بنگرید به روزنامۀ حقوق ۱۳۲۵ ق: ش ۱، ۳؛ روزنامۀ صبح صادق ۱۳۲۵ ق: ش ۷۸، ۱-۲). ضمناً، با مطالعه صورت مذاکرات مجلس دوم و نطق ادیب‌التجار، که خود مأمور تشکیل بلدیۀ بود، نکته بسیار مهمی که برداشت می‌شود این است که اعضای بلدیۀ با آرای بسیار پایین انتخاب شده‌اند. او در این باره این‌گونه از شهروندان تهرانی انتقاد می‌کند:

اولاً نقص را بنده می‌گذارم به گردن عامۀ اهل این شهر؛ زیرا که یک جمعی معین شده‌اند که نمایندگان بلدیۀ را معین نمایند و چندین روز اعلانات نوشتیم، جارچی‌ها فرستادیم که آقایان وقت انتخاب بلدیۀ است بیایید مردمان خیر بصیر عالم عاقلی که سراغ دارید انتخاب کنید. چندین روز طول کشید. رفتند کسانی که مأمور این کار بودند نشستند و کار به‌جایی رسید که بالاخره منتخبان به ۳۰ رأی و ۲۵ رأی و ۲۰ رأی و ۱۵ رأی انتخاب شدند. حالا ملاحظه بکنید در یک شهری که می‌گویند یک کرور جمعیت دارد، اقلأً سی صد هزار جمعیت دارد، چرا باید نمایندگان با ۱۵ رأی و ۲۰ رأی انتخاب شوند این تقصیر مردم است حالا باین‌که آگاهی نداشتند که موضوع بلدیۀ چه بوده است یا تقصیر یا قصور عدم آگاهی بوده است ... (صورت مذاکرات مجلس ۱۳۲۸ ق: دوره دوم، جلسه ۱۸۸).

در دوره پهلوی انتخابات منظم‌تر برگزار شد، به‌طوری‌که، پس از تصویب قانون بلدیۀ در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹، برگزاری انتخابات به‌سرعت در دستورکار قرار گرفت و انتخابات تهران در کم‌تر از دو هفته برگزار شد. تفاوتی که این دوره با دوره‌های پیشین داشت، اعلام تعداد آرای نمایندگان به‌جز دو دوره پایانی است. درمورد این‌که چرا تعداد آرا و فهرست اولیۀ شصت نفرۀ منتخبان در دوره پایانی پهلوی اول در صورت جلسات انتخابات وجود ندارد، اطلاعی در

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۶۹

دست نیست. به هر حال، در خصوص تحلیل انتخابات در دوره پهلوی دو نکته قابل طرح است. نخست این که تکیه اصلی تحلیل انتخابات سرشماری اداره بلدیۀ سال ۱۳۱۱ است. دوم این که برای جلوگیری از طولانی شدن مطالب از درج فهرست منتخبان شصت نفر اولیه صرف نظر شده است و کلیۀ منتخبان دوازده نفرۀ شش دورۀ انجمن بلدیۀ/ شهرداری با ردیف انتخابات در فهرست اولیه در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. اسامی منتخبان شش دورۀ انجمن شهرداری ۱۳۰۹-۱۳۲۱،
به همراه تعداد آرا و ردیف انتخابات

ردیف	اسامی منتخبان	دورۀ اول، تعداد آرا	دورۀ دوم، تعداد آرا	دورۀ سوم، تعداد آرا	دورۀ چهارم، تعداد آرا	دورۀ پنجم، تعداد آرا	دورۀ ششم، تعداد آرا
۱	آقای بهاءالملک	۲۶۲۱ (۱)					
۲	حاج محمدحسین بلورفرشان	۲۵۷۰ (۲)	۲۶۴۵ (۴)	۲۹۲۷ (۴)			
۳	میرزا رضاخان هروی بصیرالدوله	۲۴۹۵ (۳)					
۴	میرزا غلامحسین خان کاشف	۲۴۲۱ (۴)	۲۷۲۵ (۲)	۲۹۵۳ (۲)	۲۵۹۸ (۱۱)		
۵	حاج حسین حاج قاسم فخارپور	۲۱۹۹ (۶)					
۶	حاج میرعلینقی خان هاشمیان	۱۷۵۶ (۸)					
۷	میرزا حسن خان کورس	۱۶۷۰ (۹)	۲۷۲۰ (۳)				
۸	حاج محمدحسین فخار	۱۶۳۴ (۱۱)	۱۸۴۴ (۹)				
۹	ارباب گیو	۱۵۲۳ (۱۳)					
۱۰	میرزا علی خان وکیلی	۱۴۷۳ (۱۵)	۲۴۸۴ (۵)	۲۹۳۰ (۳)	۲۶۰۳ (۱۰)	*	
۱۱	آقا تقی کنی	۱۴۱۷ (۱۷)					
۱۲	حکیم الدوله (دکتر حسن لقمان ادهم)	۱۴۰۰ (۱۸)	۲۸۶۰ (۱)	۲۹۷۹ (۱)	۳۶۱۴ (۱)	*	*

۷۰ تحقیقات تاریخ/اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

					۱۹۸۸ (۷)	میرزا حسین طهرانیان (جایگزین)	۱۳
					۱۰۰۶ (۲۲)	ادیب پیشوائی (جایگزین)	۱۴
				۲۴۵۶ (۶)		الکساندرخان طونیانس	۱۵
				۲۴۰۴ (۷)		ارباب افلاطون	۱۶
				۱۹۲۸ (۸)		حاج محمدحسین فخریه	۱۷
			۲۶۱۷ (۱۰)	۱۸۳۸ (۱۰)		موسی خان حکیم اعلم	۱۸
		۲۶۳۷ (۹)		۱۵۱۸ (۱۴)		حاج خان حریری	۱۹
				۸۴۷ (۱۷)		میرزا علی خان خبیرالسلطنه	۲۰
		۲۶۹۵ (۸)	۲۸۷۵ (۵)			عبدالحسین نیک پور	۲۱
			۲۶۳۶ (۹)			لقمان الدوله	۲۲
			۱۹۹۳ (۱۳)			دکتر موسی خان جوان	۲۳
			۱۳۹۸ (۱۸)			آقا رضا طهرانچی	۲۴
			۱۳۸۲ (۲۰)			میرزا علی قیصریه	۲۵
			۱۳۶۸ (۲۱)			حاج علی اکبر اخوان	۲۶
		۱۹۰۳ (۲۷)	۱۳۵۲ (۲۲)			حاج مراد اریه	۲۷
*	*	۲۹۹۷ (۴)				دکتر عطاءالله سمیعی	۲۸
		۲۷۹۶ (۶)				اسدالله یمین اسفندیاری	۲۹
*	*	۲۵۵۷ (۱۲)				عمادالدین سزاوار	۳۰

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۷۱

۳۱	دکتر مرتضی پرویز کاظمی	۲۴۹۳ (۱۴)	*	*
۳۲	علی اکبر حکیمی	۲۴۸۵ (۱۵)		
۳۳	دکتر عباس نفیسی	۱۶۱۲ (۳۲)	*	*
۳۴	مصطفی قلی هدایت		*	*
۳۵	مرتضی قزوینی		*	*
۳۶	حریری طلوع		*	
۳۷	محمدعلی منصف		*	*
۳۸	ابراهیم خواجه‌نوری		*	*
۳۹	علی صادقی مهندس		*	
۴۰	عماد کیا		*	
۴۱	خسروشاهی		*	
۴۲	تقی بهنام		*	

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مجموع آرا در دوره دوم ۳۳۴۲ رأی بود، درحالی که در سرشماری سال ۱۳۱۱ تهران ۲۵۴۰۲۷ جمعیت داشت. نکته‌ای که در نظام‌نامه انتخابات قانون ۱۳۰۹ ش وجود دارد، عدم اعلام محرومان انتخابات است. در قانون اول بخش‌هایی از جامعه، از جمله زنان، از انتخابات کنار گذاشته شدند، ولی قانون بعدی به هیچ وجه به این مسئله نپرداخته است. بنابراین، به صورت قانونی زنان می‌توانستند در انتخابات شرکت کنند. بر فرض این که بر مبنای نظام‌نامه انتخابات افراد جدول ۷، به اضافه زنان، که شامل ۷۳ درصد از جمعیت می‌شدند هم حذف شود، ۶۶۹۵۹ نفر حائز شرایط رأی‌دادن بودند که فقط حدود ۵ درصد از همین تعداد در انتخابات شرکت کردند. اگر شرایط مواد خاص نظام‌نامه، که قبلاً بحث شد، لحاظ شود، محدودیت شرکت‌کنندگان بیش‌تر خواهد شد.

جدول ۷. محدودیت شرکت‌کنندگان طبق شرایط نظام‌نامه

ردیف	خارج از شرایط نظام‌نامه	تعداد جمعیت
۱	مردان زیر ۲۰ سال	۵۵۸۶۹
۲	زنان	۱۳۱۱۹۹

۷. نتیجه‌گیری

شکل‌گیری انقلاب مشروطیت مرهون تلاش فکری روشن‌فکران و بخش کوچکی از طبقه متوسط شهری بود. اراده نظارت بر رفتار سلطنت و دولت، جلوگیری از ستم اربان بر رعایا و درنهایت تنظیم قانون جامع زمینه تأسیس مجلس را به وجود آورد. تولد مشروطیت در شهر اتفاق افتاد. بنابراین، یکی از پاداش‌های شهرنشینان بنیاد انجمن‌های بلدیّه بود. فرض بر این بود که این انجمن‌ها مسیر توسعه دموکراسی را تسطیح خواهند کرد. بنابراین، تلاش بسیاری برای روشن‌گری در این عرصه اتفاق افتاد. باین‌حال، شکست طرح‌ها و اقدامات انجمن بلدیّه تهران کام مشروطه‌خواهان را تلخ کرد. دو عامل فقدان آگاهی مردم و سخت‌گیری نظام‌نامه انتخابات موجبات این ناکامی را فراهم آورد. در دوره قاجار عامل نخست تأثیرگذار بود و در دوره پهلوی عامل دوم نظام‌نامه انتخابات سال ۱۲۸۶ مانع جدی پیش‌روی مشارکت مردم به وجود نیامد، ولی ناآگاهی و نبود رفتار شهروندی در جامعه قانون‌مند، که البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد، انجمن را به شکست کشاند. در دوره پهلوی اول هرچند آشنایی مردم با حکومت قانون بیش‌تر شده بود، تغییر نظام‌نامه بلدیّه در جهت افزایش تمرکز و اقتدار دولت آن را به نهادی سطحی و ظاهری تبدیل کرد. در این دوره اداره بلدیّه/شهرداری نهادی دولتی تلقی می‌شد، بنابراین آرای مردمی در تشکیل انجمن بلدیّه نمی‌توانست تأثیر چندانی در اداره مذکور داشته باشد. باین‌حال، مجموع عوامل یادشده، یعنی ناآگاهی مردم و سخت‌گیری نظام‌نامه بلدیّه، مشارکت مردم را به شدت کاهش داد، به‌طوری‌که در انتخابات سال ۱۳۱۱ کم‌تر از ۵ درصد از مردم مشارکت داشتند.

پی‌نوشت

۱. عبارت از مکان محصور مسقفی است که اقلاً گنجایش یک تخت‌خواب را داشته باشد (به‌استثنای حوض، آب‌انبار، مستراح، و آشپزخانه).

کتاب‌نامه

- آبادیان، حسین و محمد بی‌طرفان (۱۳۹۱)، «موانع تاریخی رشد مدیریت شهری در دوره اول مشروطه؛ تجربه انجمن‌های بلدی»، *تحقیقات تاریخ/اجتماعی*، دوره ۲، ش ۲.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آمار دارالخلافه تهران* (۱۳۶۸)، به‌کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۷۳

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۷۴)، *چهل سال تاریخ ایران*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
امین، احمد (۱۳۵۳)، «ایران در سال ۱۳۱۱ قمری»، ترجمه محمود غروی، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۴.
امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۴۱)، *خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.
اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر قاجار، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.

بی‌طرفان، محمد (۱۳۹۰)، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیة تهران در دوره اول مجلس شورای ملی»، فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران، ش ۱۲.
بی‌طرفان، محمد (۱۳۹۵)، *مدیریت شهری نوین در ایران: تجربه انجمن‌های بلدی در دوره مشروطیت*، تهران: تاریخ ایران.

ثقفی اعزاز، حسین (۱۳۴۹)، «نخستین بلدیة قانونی در بدو مشروطه کبیر»، مجله وحید، پیاپی ۷۸.
جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۳۵ ق)، *گنج شایگان*، برلین: کاوه.
«جمعیت تخمینی شهر طهران در هذ السنه یونت ثیل ۱۲۹۷» (۱۲۹۷ ق)، مجله فلاحیت و تجارت، س ۱، ش ۱۳.

روزنامه استقلال ایران (۱۳۲۹ ق)، ش ۲۳۹، ۲۴۲.

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۹ ق)، ش ۱۰۵۷، ۱۰۶۲، ۱۰۶۷.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۱ ق)، ش ۱۶۵۹، ۱۶۶۵.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۳ ق)، ش ۲۲۹۷، ۲۲۹۹، ۲۳۰۱، ۲۳۰۶.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۵ ق)، ش ۲۹۹۴، ۳۰۰۷، ۳۰۲۰.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۷ ق)، ش ۳۷۲۲، ۳۷۲۳، ۳۷۲۴، ۳۷۴۴.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۸ ق)، ش ۴۱۲۲.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۹ ق)، ش ۴۴۴۶.

روزنامه اقدام (۱۳۰۹ ق)، ش ۱۰۵۷، ۱۰۶۲.

روزنامه ایران (۱۲۹۴ ق)، ش ۳۱۸.

روزنامه ایران (۱۳۰۹ ق)، ش ۳۲۵۶.

روزنامه سعادت بشر (۱۳۱۷ ق)، ش ۶۸.

۷۴ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- روزنامه صبح صادق (۱۳۲۵ ق)، ش ۱۰۶،
روزنامه کوشش (۱۳۰۹ ق)، ش ۱۲۹۳، ۱۲۹۸.
روزنامه مجلس (۱۳۲۵ ق)، ش ۱۴.
روزنامه مجلس (۱۳۲۹ ق)، ش ۷۹.
روزنامه وقت (۱۳۲۸ ق)، ش ۳.
ژوبر، پیرآمده (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علی قلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی)، سند ۲۳۲/۱۵۰۳، ۳۱۰/۵۴۷۲۴، ۲۹۳/۶۱۱۷، ۳۴۰/۵۸۹۳، ۳۴۰/۵۹۰۳، ۳۴۰/۵۹۰۵، ۳۴۰/۵۹۰۶، ۳۴۰/۵۹۰۷.
سالنامه احصائی بلدیہ (۱۳۱۲)، تهران: سرشماری نفوس شهر تهران.
سالنامه احصائی شهر طهران از سنه ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۳ شمسی (۱۳۰۴)، تهران: شرکت مطبوعه مدرن.
سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
شل، ماری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.
صورت مذاکرات مجلس (۱۳۲۸ ق)، دوره دوم، جلسه ۱۳۰، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۸۵، ۱۸۸.
صورت مذاکرات مجلس (۱۳۰۳ ق)، دوره پنجم جلسه ۴۷.
صورت مذاکرات مجلس (۱۳۰۹ ق)، دوره هفتم، جلسه ۱۲۴.
عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
فوریه، ژوانس (۱۳۶۲)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب.
کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
کنت دمونت فرت، آنتوان (۱۲۹۶ ق)، کتابچه قانون نظمیه و امنیه و تنظیمات بلدیہ، نسخه خطی، تهران: کتابخانه و موزه ملی ملک.
کنت دوسرسی، فلیکس ادوارد (۱۳۶۲)، ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م، ترجمه احسان اشراقی، تهران: نشر دانشگاهی.
گزارش ایران از یک سیاح روس (۱۳۶۳)، ترجمه سید عبدالله، به کوشش محمدرضا نصیری، تهران: طهوری.
ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه هاشم رجبزاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
مجله بلدیہ (۱۳۰۹)، ش ۱.
مجله بلدیہ (۱۳۱۱)، ش ۴-۵.
مجله بلدیہ (۱۳۱۳)، ش ۴-۵.

میراث مدیریت شهری تهران در گذار به مدرنیته ... (محمد بیطرفان) ۷۵

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، تهران: زوار.
نقشه عبدالغفارخان نجم‌الدوله (۱۳۰۹ ق).
یغمایی، اقبال (۱۳۵۱)، «کنت دومونت فرت - نخستین رئیس پلیس ایران»، مجله یغما، پیاپی ۲۸۸.

Binning, Robert (1857), *A Journal of Two Years' Travel, in Persia, Ceylon, Etc*, London: Wm. H. Allen and Co.

Floor, Willem (1973), "The Police in Qājār Persia", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, vol. 123, no. 2.

Holmes, William Richard (1845), *Sketches on the Shores of the Caspian*, London: Richard Bentley.

Ouseley, William (1823), *Travels in Various Countries of East, more Particularly Persia*, London: Rodwell and Martin.

Ussher, John (1865), *A Journey from London to Persepolis*, London: Hurst and Blackett.

